

فرساد یزدی



آیه الله شیخ محمود فرساد یکی از بزرگان
وفقاها و حکما و مجتهدان و از جمله ادبا و گویندگان
نامبردار یزد در قرن اخیر است . وی در ماه
صفر ۱۳۰۹ هجری قمری در میان خانواده‌ای
که به علم و فقاہت و اجتهاد شهرت داشتند
چشم به جهان گشود . پدرش مرحوم حاج ملا
علی اصغر مجد الحکماء از جمله مشاهیر و اعیان
اردکان بود .

فرساد تحصیلات مقدماتی را در یزد بپایان
رسانید و پانزده ساله بود که عازم اصفهان شد
و در مجلس درس آیه الله بزرگ مرحوم آخوند
جزی حضور یافت و پس از کسب کمال و طی مدارج
علم به درجه اجتهاد نائل گردید آنگاه برای

تکمیل دانش‌های دینی رهسپار نجف اشرف شد و در محضر پرافاضت آیه الله بزرگ و جلیل القدر
مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی سالها بهره‌مندی حاصل کرد ، در همین اثناء بسبب درگذشت
والدش به یزد بازگشت اما شوق بدانش و عشق به تعلیم و تعلم او را ، راهی قم ساخت و به
حلقه تعلیم و افاضت یکی از عباقر مجتهدان قرن اخیر ایران آیه الله عالیقدر مرحوم شیخ
عبدالکریم حایری یزدی کشاند . فرساد پس از چهار سال اقامت در دیار قم و بهره‌مندی‌ها
از محضر مرحوم حائری اعلی الله مقامه الشریف به یزد بازگشت و رحل اقامت در این سامان
افکند تا آنکه در هشتم مرداد ۲۵۲۲ شاهنشاهی مطابق با نهم ربیع الاول ۱۳۸۳ هجری
قمری در هفتاد و چهار سالگی بسبب بیماری قند درگذشت رحمه الله علیه رحمته واسعه .

اشتهار فرساده بیشتر بسبب تبحر در علوم شرعی واجتهاد بود اما در ادب و سرودن شعر نیز ذوقی سلیم وطبعی لطیف ودستی قوی داشت ، بهمین مناسبت تا در حیات بود ریاست انجمن ادبی یزد را بر عهده داشت (۱)

محضر فرساده اکثر اوقات مجمع فضلا ، فقها ، ادبا و اهل علم بود وی علاوه بر مقام بلندی که در علوم شرعی و ادبی داشت ، مردی خلیق جذاب ، بسیار خوش طبع ، دقیق النظر و بلند همت بود وهمه او را به "بی‌ریایی" ، "سعد صدر" "پاکدلی" "بزرگی روح" "حدت نظر" "قدرت حل معضلات قضایی" "فروتنی" و "استغناء طبع" می‌ستودند (۲) افزون بر آنچه گذشت نکته‌گفتنی آن است که فرساده سردفتر اسناد رسمی بود و تا پایان عمر وجه ارتزاق و معاش او با حقوقی که از این طریق حاصل می‌کرد تأمین می‌شد ، بدین مناسبت همواره با سادگی ، درویشی ، مناعت طبع و قناعت می‌زیست . بدون مداهنه باید اذعان کرد که انصاف به همین اوصاف و فضایل معنوی از جمله عواملی بود که فرساده را در میان خاص و عام موجه ، محبوب و ممتاز ساخته بود .

در اینجا باقتضای حال به نقل نمونه‌های مختلفی از آثار منظوم مرحوم فرساده می‌پردازیم :

گر تو خواهی که به پایت نرود خار کسی تا شود نام تو در دهر به نیکی مشهور اندر این مرعه خود بنخم نکوکاری ، کار قیمت مرده دانایی و فضل و هنر است عزت نفس همین بس که ندارد فرساده	همچو من دست مزن بر گل گلزار کسی بار بردار کسان باش ، نه سر بار کسی که بگارت ، نخورد ، سعی کسی و کار کسی جز بدانش نبود قیمت و مقدار کسی چشم بر درهم کس دیده بدینار کسی (۳)
--	---

* * * پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمستی گرشکستی ساغریم بپمانه‌ای کمتر
و گرویرانه کردی خانه دل ، خانه‌ای کمتر
اگر من چون بمیرد از فراق و دوری لیلی
چه غم از حلقه دلدادگان ، دیوانه‌ای کمتر
چو فرها دارد هم من جان شیرین بر ره جانان
بگرداگرد شمع انجمن ، پروانه‌ای کمتر
چو زلف و خال پنهان کرد از چشم و نظر گفتم
به پیش عاشق دلخسته دام و دانه‌ای کمتر
حدیث و امق و عذرا به پیش عشق من بانو
اگر از لوح خاطر محو شد ، افسانه‌ای کمتر

درمیخانه گربستند از مستی ریاکاران
 دوروزی بانگ چنگ و ناله مستانه‌ای کمتر
 عزیزمصر در عالم مسلم شد بزیبایی
 توهم در دیده فرساده از یوسف نه‌ای کمتر

* * *

مرحوم فرساده سفری به شیراز رفته و هنگام زیارت مرقد حافظ دختری را در حال تفاعل مشاهده فرموده و در همان اثنا از روی ارتجال دو بیتی زیر را پرداخته است که مرحوم وزیری در مجموعه خویش آنرا نقل کرده‌اند:

* * *

میکرد طلب ز خواجه همست
 از عاشق زنده گیر الهام
 در سال ۱۳۳۵ خورشیدی که قانون منع کشت خشخاش از تصویب مجلس گذشت
 مرحوم فرساده قطعه‌ای بلیغ در توصیف تریاک پرداخت که در مجامع ادبی یزد و تهران
 زبانزد اهل ادب گردید:

یکدم اندیشه افیون نرود از یادم
 خشک‌تاریشه تریاک شد از جور سپهر
 من ز تریاک در این دبر خراب آبادم
 به فلک میرسد از درد و الم فریادم
 ترسم آخر که سدریچ کند بنیادم
 فاش میگویم و از گفته خود دلشادم
 همه دانند توشیرینی و من فرهادم
 نتوان مرد بسختی که من اینجا زادم
 که دگر جامعه باور نکند فرسادم
 شده‌ام لاغر ورنجور ز بی تریاکی
 استاد فقید مرحوم دکتر ناظرزاده کرمانی پس از شنیدن ابیات فوق از روی بداهت بیتی بلیغ بر آن افزوده است:

هر ادیبی که بخواند غزل نغز مرا

کند اقرار که در شعر و ادب استادم (۴)

فرساده در ساختن ماده تاریخ هنری در خور تحسین داشت بدین مناسبت با نقل دو اثر منظوم او که یکی بزبان عربی و دیگر بفارسی پرداخته است سخن را کوتاه میکند.

در این بخش از مجله، علاوه بر این دو اثر، به شرح و توضیح این دو اثر پرداخته می‌شود.

مات الفقيه ومات العلم والعمل	بزهده اعترف الاديان والملل
ماخاف من احد طول الحيات لزهده	لامن الله لاخوف ولا وجمل
قد كان في نشر العلوم مجاهدا	وما تراه له وهمن ولا كسل
سماه والده الفلام رصا	سوى رضا الله ما في قلبه امل
قد قلت تاريخ اوفاه معجلا	مات الفقيه ومات الزهد والعمل

در تاریخ فوت مرحوم عبدالحسین آینی آواره یزدی ساخته است *

آه که عبدالحسین صاحب کشف الحیل	در کف شیراجل زبون و بیچاره شد
از پی تاریخ فوت کلک خردزد رقم :	"آیتی از کفر و دین و پاکدل آواره شد"

(۱) انجمن ادبی یزد را مرحوم امیرالشعراء سیدحسن شکوهی بنیان نهاد و اعضای اصلی آن عبارت بودند از مرحوم عبدالحسین آینی یزدی، مرحوم شکوهی، مرحوم حجت الاسلام سیدعلی محمد وزیر، مرحوم سیدعلی افصح زاده، مرحوم فرساده و آقای غلامرضا مرشد. (۲) برای آگاهی بیشتر به خصوصیات اخلاقی این دانشمند کم نظیر رجوع کنید به مقاله ممنوع و صادقانه قاضی بزرگوار و شریف آقای احمد ذوالقدر رئیس پیشین دادگستری یزد در سالنامه ایستاتیس شماره سوم صفحه ۴۶، چاپ گلپهار یزد زیر عنوان: مرگ شاعر. (۳) منقول از صفحه ۷۱-۷۳ - مروارید گویر، نشریه استانداری یزد. مرحوم مهندس طاهری در تاریخ یزد اشارت میکند که فرساده ابیات فوق را در استقبال قطعه مشهور و شوق الدوله پرداخته است که مطلع آن این است:

خنک آن دل کسه نباشسد پی آزار کسی
بار بر دل ننهد گر نبرد بار کسی

(۴) منقول از صفحه ۴۸ مجموعه وزیر

(۵) منقول از صفحه ۲۴۳ مجموعه وزیر.

*** کسانیکه از زندگی پرامجرا و عبرت آمیز آیتی آگاهی دارند بخوبی میدانند که فرساده تا چه اندازه طرافت و بلاغت از خود نشان داده است!